## نجات کودک خردسال از طبقه پنجم

کودک پنج ساله‌ای که از تراس طبقه پنجم یک آپارتمان در قم آویزان شده بود با کمک آتش‌نشانان از مرگ نجات یافت.

کریمی، سخنگوی آتش‌نشانی قم به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: در پی اعلام خبری در مورد این‌که کودکی در حال سقوط از تراس طبقه پنجم یک آپارتمان در منطقه بلوار پانزده خرداد است، آتش‌نشانان برای امدادرسانی در محل حاضر شدند.

آنها در تحقیقات اولیه متوجه شدندکه والدین او بیرون از خانه بودند و وی تنها در خانه خوابیده که بعد از بیدارشدن متوجه شده در خانه قفل است. او وارد بالکن شده و از حفاظ نرده‌ای آنجا می‌خواسته به سمت خیابان برود که آویزان شده بود.

آتش‌نشانان با پهن کردن تشک نجات اقدامات ایمنی را فراهم و به وسیله نردبان کودک را نجات داده و از طبقه پنجم پایین آودند.



نایمن بودن چاه پارک، جان پدر و پسر را گرفت

# مرگ تلخ آقامعلم هنگام نجات پسرش

فاطمه شیخ علیزاده
حوادث

معلم جوان اصفهانی زمانی که با کودک ۹ ساله‌اش برای تفریح به پارکی در نزدیکی خانه‌شان رفته بود به‌طرز مشکوکی ناپدید شد. اجساد این پدر و پسر صبح روز بعد در چاه پارک پیدا شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، حال این روزهای خانه زوج معلم که در شهر ابریشم اصفهان واقع شده است، بعد از مرگ دردناک همسر و فرزندش آکنده از اندوه و ناباوری است. مادر آرش نامه‌های او را که با دستخط کودکانه‌اش نوشته روی قالی خانه پهن کرده است.

مادر آرش که با گذشت ده روز از حادثه هنوز هم گریه امانش نمی‌دهد، در مورد شب حادثه می‌گوید: «خانه ما آپارتمانی است و همسرم برای مراعات حال همسایه‌ها همیشه از پسرهایم می‌خواست که در خانه سر و صدا نکنند و آنها را برای تفریح به پارک نزدیک خانه‌مان می‌برد. آن روز مدارس به خاطر آلودگی هوا تعطیل بود. همگی با هم فوتبال تماشا کردیم و غروب که شد، آرش، پسر ۹ ساله‌ام از پدرش خواست او را پارک ببرد. اما پسربزرگم، مهدی گفت، دلش می‌خواهد در خانه بماند و با تبلت بازی کند برای همین با پدر و برادرش بیرون نرفت. حدود ساعت ۶ بود که همسرم و فرزندم به پارک رفتند و من با مهدی در خانه ماندم. ساعت از ۸ گذشت و همسرم خانه نیامد. بارها با او تماس گرفتم، اما جواب نمی‌داد. دلشوره بدی پیدا کرده بودم و از فرزندان خواهرم خواستم کمکم کنند تا خبری از آرش و پدرش پیدا کنم. آن شب را تا حدود ساعت ۴ صبح بیرون از خانه بودیم. داخل پارک و پشت شمشادها را گشتیم. وقتی خبری از همسر و فرزندم پیدا نکردیم و موضوع را به کلانتری اطلاع دادیم.»

خانم خاکسار در ادامه گفت: «فردای آن روز مطلع شدیم آرش و پدرش در چاه آب پارک افتاده‌اند. همسرم شنا بلد بود و آرش را بغل کرده بود. وقتی آنها را از چاه بیرون آوردند، دست آرش دور گردن پدرش بود. مشخص بود، چون داخل چاه جای دست نداشت، نتوانسته بودند خودشان را نجات دهند.»

مادر آرش در آخر گفت: «من و همسرم هر دو معلم استثنائی در مقطع دبستان بودیم. به سختی زندگی را ساختیم و حالا تحمل جای خالی همسر و فرزندم برایم دردناک است.»





علیرضا حبیبی، مدیر روابط عمومی شهرداری شهرابریشم اصفهان در توضیح این حادثه به خبرنگار جام جم گفت: «ساعت ۶ صبح روز حادثه زمانی که نگهبان پارک شهدا، وارد پارک شد، متوجه شده دو جسد در چاه آب کنار آب‌نمای پارک است و موضوع را به پلیس اطلاع داد. داخل چاه حدود دو متر آب بود و درپوش در چاه داخل چاه افتاد بود.

با توجه به این‌که تاسیسات و قطعات سبک آب‌نما شکسته شده و سرجایش نبود، احتمال می‌رود که در شب حادثه تاسیسات پارک مورد دستبرد قرار گرفته و کسی قصد سرقت درپوش چاه را داشته است.»

حبیبی در پاسخ به این سوال که مردم شهر در گفت‌وگوهایی اظهار کردند لولای درپوش سالم است و احتمال سرقت درپوش در چاه کم است، توضیح داد: «این موضوع تحت بررسی است و پیگیری قضایی برای روشن شدن علت دقیق باز بودن در چاه ادامه دارد و نمی‌توان با قطعیت در مورد قصور شهرداری نظر داد، اما باید بگویم که پارک شهدای شهر ابریشم مهم‌ترین پارک این منطقه است و مورد بی‌توجهی و بی‌مهری نبوده است.»

پدر فداکار هنگام نجات پسرش از چاه پارک جان خود را از دست داد

## فیلمبرداری پسر جوان از صحنه خودکشی‌اش

پسر ۲۸ ساله با نصب گوشی تلفن‌همراه در اتاقک محل استراحتش، از صحنه خودکشی خود فیلم گرفت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ۵۰ دقیقه بامداد سه‌شنبه نوزدهم آذر امسال مردی با شنیدن سر و صدا از کارگاه رویه‌کوبی مبل در محله‌شان در جنوب شهر تهران با پلیس تماس گرفت و موضوع را خبر داد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند و به تحقیق از مرد همسایه پرداختند، معلوم شد صاحب کارگاه چند روز است برای انجام کاری به شهرستان رفته و پسر ۲۸ ساله شب‌ها همان‌جا می‌ماند. ماموران برای بررسی موضوع در کارگاه را بازکردند و وارد آنجا شدند. ماموران بعد از بازرسی محوطه کارگاه، وارد اتاقکی شدند که محل استراحت پسرکارگر بود. همزمان با ورود به آنجا با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. آنها مشاهده کردند پسر ۲۸ ساله با پارچه‌های مبلی خودش را حلق‌آویز کرده است. آنها با بازکردن گره‌های پارچه، او را از آن محل پایین آوردند.

ماموران هنگام بررسی محلی که پسر جوان خود را حلق‌آویز کرده بود، گوشی تلفن‌همراهی یافتندکه در همان محوطه نصب شده بود. ماموران این گوشی را مورد بازبینی قرار دادند که به تصویر فیلمی دست یافتند که نشان می‌داد پسر جوان از زمانی که شروع به خودکشی کرده، گوشی تلفن را مقابل خود قرارداده و از لحظه‌لحظه اقدام خود تا زمانی که خودکشی کرده فیلم گرفته و لحظه مرگ خود را ثبت کرده است.

پرونده‌ای در این باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و با دستور قضایی قرار شد ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران، خانواده او را شناسایی کنند و موضوع را به آنها اطلاع و جسد را تحویلشان دهند.

## پلیس بازی ۲ برادر برای دستبرد به خانه‌ها

معصومه ملکی
حوادث

دزدان حرفه‌ای خانه برای این‌که مالباخته‌ها سر نرسند، با ایست و بازرسی، آنها را متوقف می‌کردند تا همدستشان با خیال راحت سرقت را انجام دهد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، از چندی پیش شکایت‌های مشابه سرقت خودرو در شعبه دوم دادیاری دادسرای ناحیه ۳۴ تهران مطرح شد.

با دستور قضایی دادیار میثم حسین‌پور، تحقیقات از شاکیان آغاز و معلوم شد زمانی که از مهمانی یا مسافرت به خانه‌هایشان در غرب تهران بازگشته‌اند متوجه تخریب در خانه با دیلم و سرقت طلا، سکه و دلارهایشان شده‌اند. بررسی‌ها نشان داد ارزش اموال سرقتی از ۱۵ تا ۷۵۰ میلیون تومان بوده است. پلیس در جست‌وجوی سارقان فراری بود تا این‌که شاکیان جدیدی با حضور در پلیس آگاهی اعلام کردند به دو مرد که خودشان را پلیس معرفی



کرده و اقدام به ایست و بازرسی در نزدیکی خانه‌هایشان کرده بودند، مشکوک هستند. ماموران در این باره تحقیق کردند که معلوم شد آنها دزدهای سابقه‌دار بودند و پلیس نیستند. پلیس در جست‌وجویشان بود تا این‌که روزهای پایانی هفته گذشته از طریق پلیس استان اصفهان از دستگیری دو برادر در خانه اجاره‌ای باخبر شدند که در اصفهان از خانه‌ها سرقت می‌کردند. متهمان در بازجویی‌ها علاوه بر سرقت از خانه‌ها در اصفهان به سرقت از خانه‌های غرب تهران نیز اعتراف کرده‌اند. دو برادر سارق که فرهاد ۴۱ ساله و علی ۲۷ ساله بودند برای تحقیقات به پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران منتقل شدند که فرهاد در اظهاراتش گفت: به خاطر سرقت دو بار زندان افتادم. سه سال در زندانی در کرج حبس بودم که در آنجا با دزد سابقه‌دار خانه‌ها آشنا شدم و هم‌سلول شدیم. روزهای پایانی محکومیتم، او نقشه دزدی خانه‌ها را طراحی کرد و بعد از آزادی‌مان به کمک برادرم اجرا کردیم. منصور از خانه‌ها سرقت می‌کرد و ما با راه‌اندازی ایست و بازرسی در خیابان اگر صاحبخانه سر می‌رسید، متوقفش می‌کردیم تا منصور لوازم باارزش را سرقت کند. با پول‌های سرقتی، ویلا و خودروهای گرانقیمت خریده و به اصفهان آمدیم تا از خانه‌های این شهر هم سرقت کنیم.

با اعتراف این دو برادر، منصور تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

عاملان قتل پسر جوان در جلسه دادگاه اتهام را گردن یکدیگر انداختند

## من نبودم دوستم بود!

چهار مرد جوان که متهم به آدم‌ربایی منجر به قتل هستند، در دادگاه کیفری محاکمه شدند. متهمان در جریان محاکمه اتهامات خود را انکار کردند و هر کدام سعی کردند گناه را گردن دیگری بیندازند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۲۸ اسفند ۹۵ بود که خانواده مرد جوان به نام بهرام مفقود شدن ناگهانی او را به ماموران پلیس شهریار خبر دادند. پدر بهرام به ماموران گفت: «نزدیک ظهر بود که پسرم برای دیدن دوستش به نام خسرو، از خانه بیرون رفت، اما تا آخر شب به خانه برنگشت و تماس‌های ما را پاسخ نداد. این در حالی بود که نیمه شب متوجه شدیم خودروی پسرم را هم از جلوی در خانه سرقت کرده‌اند.»

ردیابی برای یافتن سرنخی از بهرام در دستور کار پلیس قرار گرفت و در روزهای آغازین سال ۹۶ خودروی ۲۰۶ او در اطراف راه‌آهن تهران کشف شد و لباس‌هایی آغشته به خون در ماشین او بود. ماموران خسرو را مورد بازجویی قرار دادند، اما او منکر اطلاع از سرنوشت دوستش شد.

در ادامه تحقیقات مشخص شد فردی با کارت عابربانک بهرام از یک طلافروشی خرید انجام داده و با دریافت اطلاعات دوربین مداربسته طلافروشی و شناسایی چهره خریدار؛ دستگیری او در دستور کار پلیس قرار گرفت و شش ماه بعد از وقوع حادثه بالاخره دو نفر از متهمان پرونده که همان خریداران طلا به نام‌های محسن و هادی بودند، دستگیر شده و پرده از راز جنایت هولناک خود برداشتند. آنها به ماموران گفتند که از مدتی قبل نقشه ربودن بهرام توسط دوست صمیمی او، به نام خسرو کشیده شد. بعد از کشاندن بهرام به خانه یکی از دوستانشان به نام خسرو کارت بانکی او را گرفته و به ما دادند.

خسرو و حمید بعد از اعترافات دو متهم اول پرونده دستگیر شدند و حمید در اعتراف به قتل گفت: «خسرو به ما گفته بود که دوست صمیمی‌اش مقدار زیادی پول در حساب بانکی‌اش دارد و به حدی به او نزدیک است که رمز کارت بانکی‌اش را هم می‌داند. آن روز او را به خانه من کشاند. بعد من به او چاقو زدم و خسرو پارچه‌ای در دهان او فرو کرد که دیگر نتواند نفس بکشد. بعد هم جسد او را نزدیکی رودخانه‌ای به نام چای‌شاد در نزدیک سلطان‌آباد انداختیم. بعد هم خودروی بهرام را از مقابل خانه‌شان سرقت کردیم تا وانمود کنیم قتل کار افراد ناشناس و به خاطر سرقت خودروی پژو ۲۰۶ مقتول بوده است.»

با وجود تلاش ماموران، جسد بهرام کشف نشد. با اعترافات متهم و طرح شکایت اولیای دم، پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و متهمان روز گذشته برای دفاع از خود پای میز محاکمه رفتند.

پدر و مادر بهرام در ابتدای جلسه تقاضای قصاص قاتل و اشد مجازات بقیه متهمان را کردند.

حمید به عنوان متهم ردیف اول گفت: «اتهام آدم‌ربایی را قبول ندارم، چون آن روز به دعوت خسرو، بهرام با میل و خواسته خود به خانه من آمد. من و بهرام شیشه کشیده بودیم. بهرام به من پیشنهاد بی‌شرمانه داد و من در حال خودم نبودم و با او درگیر شدم و یک ضربه با چاقو به او زدم، اما خسرو در دهانش پارچه گذاشت و باعث مرگ او شد.»

خسرو نیز در دفاع از خود گفت: «آن روز زمانی که حمید و بهرام با هم درگیر شدند، حمید با قمه به من هم ضربه زد و به گوشه‌ای افتادم و دیگر نفهمیدم چطور بهرام جانش را از دست داد، اما بعد از قتل وسوسه شدم که از کارت عابربانک او پول سرقت کنیم، با این‌که از قبل نقشه سرقت وآدم‌ربایی نداشتیم.»

دو متهم دیگر پرونده نیز منکر حضور خود در صحنه جنایت شدند و هرگونه ارتباط با قتل و سرقت را انکار کردند.

پس از دفاعیات متهمان، هئیت قضات برای صدور رای وارد شور شد.

## اعتراف پدر به قتل پسر شیشه‌ای در بیابان

مرد میانسال که پسر شیشه‌ای خود را در بیابان‌های اطراف محله خلیج فارس کشته بود، در جریان تحقیقات بازپرس جنایی، سکوت خود را شکست.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۱ صبح دوشنبه هجدهم آذر امسال قتل مرد ۲۴ ساله‌ای که با دو ضربه چاقو به ناحیه گردن و کمرش به قتل رسیده و جسدش در بیابان‌های اطراف محله خلیج فارس افتاده بود به رحیم دشتبان بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. تیم جنایی در حال تحقیقات در محل بود که ناگهان یکی از ماموران کلانتری خلیج فارس که در محل حاضر بود با دیدن جسد مرد جوان او را شناخت و اعلام کرد این پسر شیشه‌ای بود و دو روز پیش خانواده اش با حضور در کلانتری به خاطر مزاحمت‌هایش از او شکایت کردند که این جوان تعهد داد، دیگر خانواده‌اش را اذیت نکند و آزاد شد.

همزمان با شناسایی هویت مقتول، پدر وی یک ساعت بعد از کشف جسد به عنوان تنها مظنون در قتل بازداشت شد. او به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل و منکر قتل پسرش شد. ماموران در مرحله بعدی به تحقیق از دیگر اعضای خانواده پرداختند که معلوم شد مقتول و پدرش شب با هم بودند که پدر خانواده آخر شب که بازگشته، لباس و شلوارش خاک‌آلود بوده و گفته حالش بدشده دیروز - سه‌شنبه - برای تحقیقات به شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و بعد از چند دقیقه تحقیقات قضایی سکوت خود را شکست و با اعتراف به قتل فرزندش گفت: بازنشسته‌ام. علاوه برمقتول، پسر دیگری هم دارم. پسر ۲۴ ساله‌ام به نام شهاب سه سال است معتاد به شیشه شده و همین باعث شد به همه اعضای خانواده زور بگوید و من و اعضای خانواده را مدام به مرگ تهدید می‌کرد. حتی چند بار او را در کمپ بستری کردیم که دوباره بیرون آمد و مصرف شیشه را شروع کرد. دو روز قبل از جنایت، پسرم ما را به مرگ تهدید کرد و وقتی نتوانست پول زور بگیرد، متواری شد. همان روز در کلانتری خلیج فارس شکایت کردم که تعهد داد دیگر ما را اذیت نکند. روز جنایت دوباره در خانه با او دعوا کردم. پسرم یک میلیون تومان پول خواست. ۷۰۰ هزارتومان دادم و به او گفتم برویم از شوهرخاله‌ات ۳۰۰ هزارتومان قرض بگیرم و به تو بدهم.

متهم به قتل ادامه داد: دوباره در راه دعوایمان شد و می‌گفت تو نمی‌خواهی بقیه پول را بدهی که چاقویی را از جیبش بیرون آورد و گذاشت زیر گلویم تا مرا به قتل برساند. بعد منصرف شد و با همان چاقو ضربه‌ای به گردن خودش زد. از شدت ناراحتی با همان چاقو ضربه‌ای به کمرش زدم که به دلیل شدت خونریزی فوت شد.

مرد میانسال به اتهام مباشرت در قتل عمدی پسر جوانش بازداشت موقت شد و برای تحقیقات بعدی به پلیس آگاهی تهران انتقال یافت.

متهم به قتل پس از کشتن پسرش با صحنه سازی سعی داشت از مجازات فرار کند

تلنگر

### مرگ ۳ کارگر در آتش‌سوزی کارگاه

آتش‌سوزی در کارگاه جمع‌آوری ضایعات در جنوب تهران به مرگ سه کارگر و مصدومیت چهار کارگر دیگر منجر شد.

به گزارش جام جم، سرهنگ سعید آقایاری، رئیس مرکز فرماندهی و کنترل پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه شامگاه دوشنبه ۱۸ آذر امسال، وقوع آتش‌سوزی در یک کارگاه جمع‌آوری ضایعات در منطقه مجیدآباد کهریزک به پلیس گزارش شد. ماموران با حضور در آنجا مشاهده کردندکه آتش‌نشانان در حال خاموش کردن آتش و امدادگران اورژانس در حال امدارسانی به مصدومان هستند.

وی افزود: بررسی‌های اولیه نشان داد محل استراحت کارگران در کارگاه آتش گرفته و آنها در میان شعله‌های آتش گرفتار شده‌اند. این در حالی بود که آتش‌نشانان شعله‌های آتش را خاموش کردند. سه کارگر در این حادثه دچار سوختگی شده و فوت کردند که اجسادشان به پزشکی قانونی و چهار کارگر که دچار سوختگی درجه یک تا سه شده بودند بعد از اقدامات درمانی اولیه اورژانس به بیمارستان منتقل شدند. صاحب کارگاه نیز با دستور قضایی بازداشت شد و تحقیقات برای مشخص شدن علت این آتش‌سوزی مرگبار ادامه دارد.

### سرقت مرگبار از طلافروشی

زن و شوهری بعد از سرقت از طلافروشی، با ضربه‌های چاقو طلافروش را کشتند.

سرهنگ زارعی، رئیس پلیس آگاهی همدان به ایسنا گفت: چند روز پیش سارقان که زن و شوهر بودند وارد طلافروشی در یکی از محله‌های شهر همدان شدند و طلافروش را با ضربه چاقو زخمی کردند. آنها بعد از سرقت متواری شدند که پلیس هردویشان را دستگیر کرد. طلافروش زخمی به بیمارستان منتقل شد، اما به دلیل شدت خونریزی فوت کرد. با مرگ او روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد و سارقان در برابر اتهام قتل نیز قرار گرفتند.

### قتل دوست قدیمی با میخ!



مرد معتاد وقتی توسط دوستش تحقیر شد او را با ضربه میخ کشت. متهم در دادگاه منکر قتل شد.

به گزارش جام جم، اواخر تیر ۹۷، گزارش درگیری منجر به قتل در پیشوای ورامین به دست پلیس رسید و مشخص شد مقتول در خانه یکی از دوستانش با اصابت یک میخ به گلویش جان خود را از دست داده است.

با پیگیری ماموران، مشخص شد مقتول به نام حامد با دو نفر از دوستانش در خانه‌ای بوده است. دوستان او بازجویی شدند و یکی از آنها به نام مجید به قتل حامد اعتراف کرد و گفت: «از مدت‌ها قبل قرار بود با حامد شرکت تاسیس کنیم. آن روز در خانه دوست‌مان با هم بحث‌مان شد. او اعتیادم را به رخم کشید و تحقیرم کرد و گفت تو پول نداری و با تو شریک نمی‌شوم. از این‌که تحقیرم کرد، خیلی ناراحت شدم. من ۲۰ سال سابقه معلمی دارم و زمانی کشتی‌گیر بودم، اما اعتیادم باعث شد همسرم رهایم کند و دوستانم تحقیرم کنند. به‌حدی عصبانی شدم که از روی کابینت یک میخ برداشتم و به حامد حمله کردم که باعث مرگش شد.»

روز گذشته پدر و مادر مقتول در دادگاه تقاضای قصاص متهم را کردند. متهم در دفاع از خود گفت: «اتهام قتل را قبول ندارم. آن روز در خانه دوستم بودیم. یک مرد را دیدیم که صورتش را پوشانده بود و وارد خانه شد و به حامد حمله کرد و رفت. من دست او چاقویی دیدم، اما او را نشناختم.»

او در پاسخ به سؤال قاضی که اظهار داشت حامد با چاقو به قتل نرسیده توضیح داد: «من الان چیزی یادم نیست. چیزهایی که می‌گویم تصویرهایی است که در ذهنم می‌سازم.»

پس از دفاعیات این متهم، قضات دادگاه برای صدور رای وارد شور شدند.